

دکتر حسین قره‌چانلو

الاعلاق النفسیه

نوشته ابوعلی احمدبن عمر بن رسته اصفهانی، جغرافی‌دان اسلامی است که آنرا در هفت مجلد نوشته بوده است. ولی دست روزگار از این اثر پرارزش فقط قسمت هفتم آن را باقی گذارده است.

از تاریخ ولادت و زندگانی و درگذشت او اطلاعی در دست نیست. همین قدر معلوم است که زادگاهش اصفهان بوده و ظاهراً در سال ۲۹۰ هـ. ۹۰۲ م. یعنی هنگام اتمام کتاب خود در حجاز می‌زیسته است.

در سال ۲۹۰ هـ. ۹۰۲ م. و بقولی دیگر به سال ۳۱۰ هـ. اثر پرارزش الاعلاق النفسیه زینت‌بخش تمدن اسلام گردید. بنظر مارکوارت کتاب ابن‌رسته به سال ۳۱۰ هـ. ۹۱۳ م. تالیف شده زیرا منبع اساسی آن، کتاب جغرافیای جیهانی بوده است. اما با توجه به اینکه کتاب جیهانی از آثار جغرافیایی نیمه قرن چهارم هجری است. بنابراین نمی‌تواند مأخذی برای کتاب ابن‌رسته بوده باشد. بارتولد هم در صحت این پندار که ابن‌رسته داستان مربوط به روسها را از ابن‌فضلان گرفته تردید می‌کند. ظاهراً این نظر قابل قبول‌تر است، که تالیف کتاب وی اندکی پس از سال ۲۹۰ هـ. انجام گرفته باشد. اما از طرفی اگر وفات ابن‌رسته به سال ۲۹۰ هـ. صحیح باشد. با توجه به اینکه ابن‌فضلان سفر خود را به سرزمین روسها و بلغارها در سال ۳۱۱ هـ. شروع کرده است. بنابراین کتاب ابن‌فضلان نمی‌توانسته، مأخذی برای ابن‌رسته باشد.

ابن‌رسته را دانشمندان خاور و باختر تا این اواخر نمی‌شناختند و با اثر او آشنایی کامل نداشتند. کراچکوفسکی می‌نویسد؛ او را بوسیله کتاب گولسون شناخته‌ایم... چون او، در خلال بحثی طولانی، نام نویسنده ما را ابن‌دسته می‌داند، که کاملاً اشتباه است.

ابن رسته در کتابش سعی کرده مطالبی مربوط به اقوام ساکن اتحاد - شوروی و مناطق مجاور آن را به اجمال بیان کند. در زمینه کیهان‌نگاری او را استاد قزوینی دانسته‌اند، چون «قزوینی» در دواثر خود «آثار البلاد و اخبار العباد» و «عجایب المخلوقات» از کتاب ابن رسته متأثر بوده است. ابن رسته در نوشتن مطالب کتابش بسیار محتاط بوده، زیرا برای تأیید مطالب نجومی کتاب به شواهدی از قرآن استناد کرده است.

این دانشمند، جغرافیای نجومی و ریاضی را در اثر خود بسیار خوب و رسا عرضه می‌کند، و در این مسائل به آثار فرغانی و ابومعشر بلخی تکیه بسیار دارد و بنظر می‌رسد که آثار آنان را بخوبی می‌شناخته است. ضمناً در جغرافیای طبیعی، از نفوذ ابن خردادبه بدور نیست. او جغرافیای طبیعی را با توصیف مکه و کعبه آغاز می‌کند که به تاریخ الادب الجغرافی - العربی. کراچکوفسکی ج ۱ ص ۱۶۴).

ابن رسته در تنظیم کتابش از روش «جغرافیای ایرانی» که مبتنی بر هفت اقلیم یا هفت کشور است، عدول کرده و بهنگام بیان اقالیم، ترجیح داده است که بجای هفت اقلیم ایرانی، اقالیم یونانی را بیان کند، اساساً بنظر می‌آید که غرض ابن رسته از نوشتن این کتاب فراهم نمودن اطلاعاتی از تمام جهان آن روز بوده است. چون علاوه بر توصیف بلاد اسلامی، سرزمینهای دیگری را که در خارج جهان اسلام را داشته نیز توصیف کرده است و بصورتی کامل و جامع از جغرافیای ریاضی سخن گفته، و درباره مسائل مختلف نظریات و عقاید گوناگونی را در کتاب خویش آورده است... با توجه به تنوع و فراوانی اطلاعاتی که در کتاب وی آمده، می‌توان، آن را «دائرة المعارف کوچکی» از علوم جغرافیا و تاریخ بشمار آورد.

ارزش کتاب: اثر ابن رسته در قسمت توصیف اماکن مختلف بسیار ارزنده است، ولی توصیف وی درباره راهها چندان زنده و گویا نیست. اما آلفونس گابریل می‌نویسد؛ اولین عملیات اسلامی که در راه تحقیقات ایران ادامه داده شد، بیشتر عبارت از تعیین و علامت گذاری راهها بود و در میان مؤلفاتی که در این زمینه بیشتر فعالیت بخرج داده‌اند، قبل از همه باید از قدامه و ابن رسته نام برد. بطوریکه ابن رسته جزئیات شاهراه

طوس و مشهد و انشعابات آن را بسمت اصفهان و شیراز بطور مفصل تشریح کرده است (نک به تحقیقات جغرافیائی راجع به ایران. ت. فتحعلی خواجهنوری. ابن سینا، ۱۳۴۸. ص ۴۲).

در قسمت جغرافیای نجومی و ریاضی بدلیل استناد او به آیات قرآنی و استفاده از آثار نجومی دانشمندان قبل از خود، بسیار سودمند و پرازش است.

ابن رسته پس از توصیف مکه و مدینه اقسام عجایب گیاهی و حیوانی و بناهای معروف باستانی را توصیف کرده است و بگفته آدم‌متر، او برخلاف معاصرش ابن فقیه، عاشق توصیف محلها و چیزهای کمیاب و عجیب در یمن و مصر و قسطنطنیه و هند و بلاد مجاور و سرزمین سقلاب (صقلاب) است (نک به تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ت. علیرضا ذکاوتی - قراگزلو. امیرکبیر، ۱۳۶۲. ج ۲. ص ۱۰). و پس از شگفتیهای زمینی به تعریف دریاها و رودها و هفت اقلیم با شهرهای معروف آن پرداخته، که بنظر نگارنده، چنان که گذشت، از روش یونانیان در تقسیم اقلیم متأثر بوده، اما نسبت به روش جغرافیای ایرانی «هفت اقلیم» نیز بی‌نظر نبوده است. ابن رسته در توصیف سرزمینها به ایران اهمیت خاصی می‌دهد. مع ذلك سخن او درباره عربستان جنوبی و شهر صنعا و عراق و شهر بغداد و مصر گرچه بسیار کوتاه و مختصر است، ولی بسیار ارزنده و مهم است. نیز سخن او درباره قسطنطنیه و کلیسای ایاصوفیه و موکب پرمهابت امپراتور بیزانس هنگام رفتن به کلیسای ایاصوفیه و آداب و رسوم معمول در کلیسا و نواختن ارغنون «ارگ» بسیار خواندنی و جالب و از نظر جغرافیای انسانی پرازش است، و بحق می‌توان گفت که ابن رسته تنها جغرافی‌دانی است که در وصف روم و شهرها و عجایب آن، اطلاعاتی این چنین ارزنده بدست داده است، و نظیر آنها را نه فقط در آثار همعصران، که در گزارشهای جغرافی‌دانهای بعد از او هم نمی‌توان یافت، علاوه بر این، دقت وافر و موشکافی او، در توصیف آثار و عجایب و شگفتیها، در خور ستایش است. او وقتی درباره ارغنون «ارگ امروزی» سخن می‌گوید، با وجود آن که این توصیف را از زبان شخصی به نام هارون بن یحیی بیان می‌کند، چنان وصف زنده و گویائی از آن می‌دهد، که گوئی، او خود

ارغنون را بچشم دیده است و یا ساعت کلیسای بزرگ روم «قسطنطنیه» را آنچنان توصیف کرده که گویا خود سازنده آن بوده است. طبیعی است که ارزش قسمتهای مختلف کتاب او یکسان نیست. گتار وی از صنعا و امپراتوری بیزانس و هندشرقی و سقلاییان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار است، و نیز اطلاعاتی که در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان ویا درباره راهها داده، خالی از اهمیت نیست؛ اما بدنبال این گزارشهای ارزنده، مطالبی نیز هست که گوئی بعدها به کتاب افزوده‌اند. و غالباً با مسائل جغرافیائی ارتباط ندارد.

این مطالب بیشتر شایعات جالبی است درباره شغل بزرگان اسلام و معارفی درباره آنها و خاندانهای بزرگ که در آن موقع ورد زبانها بوده، گردآوری کرده، از آن جمله است. جد اشعث بن معدی کرب که خاندان اشاعته بدو منسوبند، یک کفش دوز عامی ایرانی بود و عمه اشعث، ورده، همسر یک یهودی بود، مرد در حالی که فرزند نداشت، اشعث نزد عمر بن خطاب به طلب میراث آمد، عمر پاسخ داد: پیروان دو کیش مختلف از هم ارث نمی‌برند. غیر از مطالب فوق اطلاعات مختصری هم درباره فرق مختلف در پایان کتاب آمده که اهمیت چندانی ندارد چون بیشتر جنبه فهرست گونه‌ای دارد.

کتاب ابن رسته از لحاظ نحوه ارائه مطالب و اسلوب جزء تالیفاتی است که همه خوانندگان آن را می‌پسندند، ولی ظاهراً این کتاب برای منشیان و نویسندگان دیوانهای دولتی، نوشته شده است. سلیقه ادبی ابن رسته از ابن خردادبه بهتر است. گاهی فهرست نامها را نقل می‌کند و در توصیفها علاقه فراوانی به قصه‌پردازی نیز دارد.

نخستین خاورشناسی که به تصحیح کتاب ابن رسته پرداخته جوینبول A.W. th. Juynboll، است که در ۱۸۶۱ م. بخشی از آن را در لیدن بچاپ رسانید. و این قسمت همان است که بعدها در تاریخ ۱۹۳۷ م. مورد استفاده گاستون ویبیت قرار گرفت. و مجدداً همین خاورشناس، در ۱۸۸۳ م. کتاب را با زیر نویس کامل در لیدن بچاپ رسانید.

سپس خوولسون در ۱۸۶۹ م. اطلاعات مربوط به روس و صقالبه را

از کتاب ابن رسته استخراج کرده بچاپ رسانید. سرانجام دخویه خاور-شناس معروف با نوشتن مقدمه‌های بر کتاب مزبور آن را جزء انتشارات گیب بسال ۱۸۹۲ م. در لیدن بچاپ رسانید (نک: فرهنگ خاورشناسان. سحاب. ص ۱۵۷-۱۵۶).

این کتاب در تاریخ ۱۹۵۵ م. توسط گاستون وییت ترجمه شد و تعلیقه مفصلی بدان اضافه گردید و در ۳۱۹ صفحه در انجمن جغرافیائی مصر بچاپ رسید. اندکی بعد در ۱۹۵۸ م. نیز کار وی زیجلیدی K. Czeglédy قسمتهائی از کتاب ابن رسته را با مطالبی از کتاب ابن فضلان و بلخی و مسعودی که بیشتر راجع به تاریخ مجارها بود، بچاپ رسانید. سپس هامادوف Hamadow، هم تحقیقاتی درباره کتاب انجام داد که آن را بانوشتن فهاریسی چاپ و منتشر نمود (نک: المستشرقون. نجیب الحقیقی).

از آنجا که برگردان فارسی این اثر ارزنده تاکنون انجام نیافته بود بر آن شدم که این کتاب را به فارسی برگردانم و در ترجمه سعی شده مفهوم عبارات آن، چنانکه مراد نویسنده بود به فارسی روان ترجمه شود. در ترجمه فصول اولیه کتاب که درباره جغرافیای نجومی و ریاضی است و به آیات قرآنی مستند گردیده، سعی شده ترجمه آیات از کشف الاسرار میبیدی استفاده شود. و مبنای ترجمه کتاب نسخه چاپ لیدن، ۱۸۹۱ م. بوده که بکوشش دخویه بچاپ رسیده است. علاوه بر آن، ترجمه خود را با ترجمه فرانسه کتاب که توسط وییت "Wiet" انجام شده، تطبیق داده‌ام، و همچنین منابعی را که این خاورشناس درباره اعلام مهم کتاب تحقیق و بررسی نموده در پاورقی‌ها، بفارسی درج کرده و نیز در قرائت برخی نامها، از وی پیروی کرده‌ام.

در خاتمه از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر آذرتاش آذرنوش که بنده را در تطبیق ترجمه کتاب با متن فرانسه آن یاری داده‌اند و بیشتر خطاها و لغزشهای موجود آن را با سعه صدر و بلند نظری اصلاح نموده‌اند، سپاسگزاری نمایم.

کتاب مذکور در ۱۳۶۵ ش. توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. و در دهه فجر ۱۳۶ ش. بعنوان یکی از کتابهای برگزیده سال ۱۳۶۵ ش. معرفی گردید.

در پایان فهرست کوتاهی از مندرجات مهم کتاب برای اطلاع پژوهندگان و محققان و علاقمندان به علم جغرافیای تاریخی آورده می‌شود:

مقدمه کتاب داستان فلک. سخن در اجرام و ابعاد. اختلاف آرای فرقه‌های گوناگون درباره شکل زمین. اوضاع و احوال مکه، بیان کعبه و ساختمان و اوصافش بر وجه اختصار. مدینه که همان یثرب شهر پیغمبر (ص). شگفتیهای زمین. اوصاف دریاها و رودها. اقالیم هفتگانه. وصف ایران شهر. وصف بغداد. وصف شهر صنعا. وصف شهر سبا. وصف مصر. راه فسطاط به اسکندریه. اوصاف قسطنطنیه. وصف شهرهای هند. سرزمین خزر. سرزمین برداس. سرزمین بلکار (بلغار). سرزمین مجفریه (مجارها). صقلیه. سرزمین روسیه. سرزمین سریر. سرزمین اللان. داستان یاجوج و ماجوج. طبرستان. وصف اصفهان. راه بغداد تا ری. راه از ری تا نیشابور. راه از نیشابور به طوس. راه نیشابور به هرات. راه هرات به کرمان. راه هرات به سیستان. راه بغداد به مکه. راه مدینه به مکه. راه کوفه به بصره. راه بصره به مکه. فاصله میان بغداد و کوفه. راه بحرین تا مکه. راه مصر تا مکه و غیره... اسامی خوره‌های اهواز و شهرهای آن. و مسافت خوره‌های اهواز و... ذکر کسانی که چیزهایی ایجاد نمودند و مورد تقلید دیگران واقع شدند. خاندان‌های بزرگ مانند اشعث و غیره... پیشه‌های بزرگان عرب در جاهلیت. ادیان عرب در دوره جاهلی. معارفی درباره بزرگان اسلام مانند اسامی اشخاصی که در بدن نقص داشتند. بلندقدان و کوتاه‌قدان. ناشنویان و غیره...